

بررسی رویکرد دینی نسبت به شهروندان بازنشسته

سعید حجازی فر،^{۱*} سید علی اصغر علوی^۲

چکیده

با طرح مسئله «دولت اسلامی» و ضرورت جوان‌گرایی، شیوه تعامل با شهروندان سالخورده و نسبت استفاده از آن‌ها در سازمان‌ها یکی از چالش‌های مدیریتی روز است. آیا مفهوم جوان‌گرایی به معنای پیرزدایی است؟ خطر انقطاع نسلی در سازمان را چگونه باید مدیریت کرد؟ نسبت جوانان و پیران در سازمان چگونه باید باشد؟ اینجاست که مفهوم بازنشستگی را می‌توان از این منظر مورد بررسی قرار داد. تحقیق حاضر درصدد است با استفاده از روش تحلیل مضمون، مفهوم بازنشستگی را در قرآن و با مروری بر اندیشه‌های رهبر معظم انقلاب بررسی نماید و با مطالعه الگوی زندگی قرآنی جناب حبیب بن مظاهر به فهم و تبیین بهتری از آن دست یابد. از مهم‌ترین دستاوردهای این پژوهش می‌توان فهم نسبت تعامل جوانان و پیران در سازمان و جایگاه هرکدام اشاره داشت. در رویکرد دینی، به‌رغم اینکه دوران ضعف و ناتوانی است، این به معنای بیکار نشستن نیست و شهروندان بازنشسته در کنار جوانان می‌توانند کارهای مهمی را انجام دهند و محور بسیاری از فعالیت‌ها باشند.

کلیدواژه‌ها: بازنشستگی، مدیریت منابع انسانی، قرآن کریم، حبیب بن مظاهر، امام خامنه‌ای.

۱. استادیار دانشکده اقتصاد و مدیریت دانشگاه ارومیه. رایانامه: saeedhejazifar@gmail.com

۲. دکتری قرآن و علوم گرایش مدیریت جامعة المصطفی العالمیه قم. رایانامه: modirekarbala313@chmail.ir

۱. مقدمه

امروزه بحث درباره شیوه بهره‌گیری از افراد مسن یا به اصطلاح بازنشسته و نسبت آن‌ها با نیروهای جوان، چالشی مدیریتی است. تبیین شیوه تعامل با شهروندان سالخورده و نسبت استفاده از آن‌ها در سازمان‌ها هم به هویت‌بخشی از این گروه، کمک شایانی خواهد کرد و به آن‌ها شاخص‌هایی خواهد داد و به پشتوانه آن شاخص‌ها می‌توان نسبت به به‌کارگماری آن‌ها در سازمان‌ها، برنامه‌های مقتضی را تعریف نمود.

کربلا بهترین جلوه‌گاه عمل به قرآن است و اصحاب امام حسین (ع) بهترین عاملان به آیات قرآن‌اند. جناب حبیب بن مظاهر یکی از همین اصحاب است. زندگی جناب حبیب سرشار از مفاهیم قرآنی است که در کربلا بروز یافته است. یکی از این مفاهیم که در کربلا برجستگی خاصی دارد، عمل است.

در مورد مفهوم بازنشستگی پژوهش‌های مختلفی کار شده، اما توجه به حل چالش جوان‌گرایی و پیرزدایی و همچنین تبیین نسبت جوانان و پیران در سازمان مورد غفلت قرار گرفته است. همچنین تبیین این مفهوم از منظر قرآن و به‌ویژه زندگی قرآنی اصحاب امام حسین (ع) - و به‌طور ویژه جناب حبیب - مزیت این تحقیق محسوب می‌شود؛ مضافاً بر اینکه این تحقیق در کنار توجه به برخی نظرات و دلایل موافقان و مخالفان مفهوم بازنشستگی، تأکید بیشتری بر اندیشه رهبر معظم انقلاب به مفهوم بازنشستگی خواهد داشت و خواننده را به نتایج و راهکارهای کاربردی خواهد رساند.

۲. مبانی نظری و پیشینه پژوهش

۲-۱. بازنشستگی

در واژه‌شناسی زبان فارسی، بازنشسته و بازنشستن به صورت‌های زیر تعریف شده است: بازنشستن یعنی برکنار رفتن از کار و خدمت، تقاعد، گوشه‌گیری، و بازنشسته کسی است که در پیری یا پس از مدت‌های طولانی یا به علل دیگر از کار برکنار رود و از حقوق بازنشستگی استفاده کند؛ اما اصطلاحاً بازنشستگی یا تقاعد، ترتیبی است که به موجب آن، دولت به خدمت کارمندی که او را به علت کبر سن و یا فرسودگی، قادر به ادامه کار نمی‌داند، خاتمه می‌دهد و برای او مستمری ثابتی معین می‌کند (طباطبائی مؤتمنی، ۱۳۹۰:

۱۹۹). خروج یا ترک خدمت کارکنان از سازمان به دو شکل داوطلبانه و غیرداوطلبانه رخ می‌دهد. در شکل غیرداوطلبانه فرد خواهان خروج از سازمان نیست، ولی کارفرما می‌خواهد که وی خارج شود و به شکل‌های بازخرید، بازنشستگی یا اخراج سازمان را رها می‌کند. در شکل داوطلبانه کارفرما خواهان خروج فرد نیست، ولی فرد می‌خواهد سازمان را ترک کند (قلی‌پور، ۱۳۹۰: ۴۳۸).

۲-۲. اهداف بازنشستگی

هدف اصلی از بازنشستگی تأمین زندگی کارکنانی است که دیگر قادر به ادامه همکاری در خدمات عمومی نیستند و مقرری منظوره برای حمایت آنان در دوران کهولت است. هدف‌های دیگری در بازنشستگی متصور است که بی‌ارتباط با هدف مزبور نیست. وجود نظام بازنشستگی با تسهیل خروج افراد مسن از سیستم اداری کشور، زمینه را برای جذب افراد جوان‌تر و کارآزموده میسر می‌سازد. از طرف دیگر، امید به داشتن تأمین در زمان کهولت، خود انگیزه‌ای است در کارایی کارمند در زمان اشتغال و جلوگیری از فرار نیروهای کارآمد بخش دولتی به بخش خصوصی (امامی، ۱۳۹۵: ۲۹۵-۲۹۶). بنابراین یکی از اهداف اساسی بازنشستگی آن است که عناصر تازه‌نفس و جوان به تدریج، جانشین عناصر پیر و فرسوده شوند و در عروق دستگاه اداری خون تازه‌ای جریان یابد و سازمان‌ها تجدید حیات کند (طباطبائی مؤتمنی، ۱۳۹۰: ۱۹۹).

۲-۳. زندگی قرآنی

قرآن بایدها و نبایدهای بسیاری برای زندگی دارد که رعایت آن‌ها در زندگی، شکل‌دهنده سبک خاصی از زندگی خواهد بود. قرآن کتاب علم و معرفت است؛ یعنی دل و اندیشه انسانی را سیراب می‌کند و برای آن کسانی که اهل معرفت‌آموزی هستند، یک سرچشمه تمام‌نشدنی است؛ اما علاوه بر این‌ها قرآن دستور زندگی هم هست؛ قرآن علاوه بر جنبه معرفتی و معرفت‌آموزی دستورهای کاربردی فراوانی برای زندگی دارد؛ یعنی محیط زندگی را آباد می‌کند، زندگی را از امنیت و سلامت و آسایش برخوردار می‌کند. «يَهْدِي بِهٖ اِلٰهٗ مِّنْ اَتِّعَ رِضْوَانَهُ سُبُلَ السَّلَامِ»^۱ (مائده: ۱۶). راه‌های سلامت و امنیت و آسایش در زندگی را به انسان‌ها نشان می‌دهد. انسان‌ها در طول تاریخ دست‌به‌گریبان ظلم و تبعیض و جنگ و ناامنی و

لگدمال شدن ارزش‌ها بوده‌اند، امروز هم هستند؛ راه علاج این‌ها قرآن است. اگر به قرآن عمل کنیم، همه این مشکلات برطرف می‌شود (امام خامنه‌ای مد ظله العالی، ۱۳۹۹).

۴-۲. حبیب بن مظاهر

حبیب بن مظاهر اسدی (۱۴ قبل از هجری - ۶۱ هجری) در یمن چشم به جهان گشود. کنیه او ابوالقاسم بود (السمای، ۱۴۱۹ق: ۱۰۲؛ الامین، ۱۴۰۳ق، ج ۴: ۵۵۳؛ الشبستری، ۱۴۲۱ق، ج ۱: ۳۲۵ حرف الحاء/ الرقم) پدر او مظاهر از خاندان بنی اسد است.^۲ حبیب از یاران امام علی، امام حسن و امام حسین (ع) بود. او حافظ کل قرآن و از راویان و ناقلان حدیث بود. او از جمله کوفیانی است که در نامه از امام خواسته بود که به کوفه بیایند. او از جمله یاران امام حسین (ع) در روز عاشورا بود که به همراه ایشان به شهادت رسید.

۳. گذری بر برخی نظرات موافقان و مخالفان بازنشستگی

۱-۳. دلایل موافقان بازنشستگی

برخی با بازنشستگی موافقاند و دلایل مختلفی برای آن مطرح می‌کنند؛ از جمله:

۳-۱-۱. اهمیت بحث جوان‌گرایی

عده‌ای بازنشستگی را تسهیل‌کننده بحث جوان‌گرایی و زمینه‌ای برای گردش نیروها در سازمان می‌دانند و وجود آن را ضروری می‌دانند.

۳-۱-۲. نیاز به منبعی برای روزگار از کارافتادگی

برخی بازنشستگی را از باب پشتیبان زمان کهولت و ضعف قابل توجیه می‌دانند.

۳-۱-۳. نیاز به استراحت و تفریح

در کنار دلیل اول که ناظر به سازمان و پویایی و نشاط آن بود و دلیل دوم که ناظر به منافع خود شخص است، این دلیل به این جهت می‌پردازد که در کنار فضای کار، انسان به استراحت و تفریح نیازمند است.

۲-۳. دلایل مخالفان بازنشستگی

درمقابل، برخی مخالف بازنشستگی هستند و آن را خلاف مبانی و اصول اسلام می‌دانند و قائل‌اند که در اسلام چنین مفهومی معنا ندارد و پذیرفته‌شده نیست. از این عبارت دو تحلیل

می‌توان داشت. اگر مقصود این باشد که انسان‌ها همواره باید امید به زندگی داشته باشند و تا آخرین لحظه حیات به شکوفا ساختن استعدادهای خود ادامه دهند، این امر منطقی به نظر می‌رسد:

«اینکه شما را بازنشسته می‌کنند، به‌خاطر قرارداد است؛ مثل اینکه قرار می‌گذارند مثلاً می‌گویند: شما شب منزل ما بیا. یا شب من منزل شما می‌آیم. ما به حسب قرارداد تعهد می‌کنیم. باید به تعهد عمل کنیم. شما قول دادی. دولت می‌گوید: ماهی این‌قدر از پولت برمی‌دارم، بعد از سی سال به‌عنوان بازنشستگی به تو می‌دهم. چون دولت در طول سال، پولمان را از حقوقمان کم کرده، حالا بعد از سی سال به ما می‌دهد، این قرارداد است. وگرنه در اسلام نه فارغ‌التحصیل داریم، فقط زن حامله فارغ می‌شود. تحصیل چیزی نیست که آدم از آن فارغ شود. در اسلام نه فارغ‌التحصیل داریم نه بازنشستگی» (قرائتی، ۱۳۸۹).

اما اگر مقصود این باشد که حقوق و مزایای بازنشستگی در اسلام پذیرفته نشده است، این دیدگاه با ظاهر برخی روایات متعارض به نظر می‌رسد. آن روایات نشان می‌دهد که حقوق بازنشستگی در اسلام پذیرفته شده است و می‌توان آن را از محل منابع بیت‌المال پرداخت کرد و در این رابطه، تفاوتی هم میان مسلمان و غیرمسلمان وجود ندارد و پیروان همه ادیان و مذاهب از این حق برخوردار می‌شوند:

«بازنشستگی یک قانون منحرف غربی است که براساس قوانین انحرافی تنظیم شده است. اسلام دلیلی بر بازنشستگی نمی‌بیند. کارگزاران دولت اسلامی پس از خروج از انجام وظیفه و دوران پیری دو قسم هستند:

۱. غنی هستند و بی‌نیاز که باید رها شوند و نمی‌شود از کیسه ملت به اغنیا پول داد و مردم هم راضی نیستند؛

۲. فقیر هستند و نیازمند که اسلام پر است از قوانین و ارشادات حمایتی از فقرا. هر فقیری ولو کافر باشد، از بیت‌المال مسلمین بهره‌مند است؛ زیرا اسلام نمی‌خواهد در بلاش فقیر باشد. امیرالمؤمنین در بازار کوفه فقیری را دید. توقف کرد. گفتند: یک نصرانی ناتوان و پیر است. «مَرَّ شَيْخٌ مَكْفُوفٌ كَبِيرٌ يَسْأَلُ فَقَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ ع مَا هَذَا قَالُوا يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ نَصْرَانِي فَقَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ ع اسْتَغْمَلْتُمُوهُ حَتَّى إِذَا كَبَرَ

وَعَجَزَ مَنَعْتُمُوهُ أَنْفَقُوا عَلَيْهِ مِنْ بَيْتِ الْمَالِ» (عاملی، ۱۴۰۹، ۱۵، ۶۶). بنابراین برای او از بیت‌المال مستمری قرار داد، لذا قانون بازنشستگی نه تنها مخالف اسلام بلکه مخالف عقل است. بله، یک راه شرعی و فقهی می‌توان پیدا کرد؛ مثلاً هر کارمند در ماه صد دینار حقوق دارد. دولت ده دینار آن را کنار بگذارد و بعداً به او بپردازد. می‌توان سود مضاربه‌ای آن را هم بپردازد یا اصل مال را بپردازد، فرقی نمی‌کند. این راه شرعی است ولی برای دولت سنگین خواهد بود؛ درثانی، این پول باید به ورثه او طبق سهم الارث پرداخت شود» (شیرازی، سید محمد، به نقل از قوامی، ۱۳۸۳: ۲۷۳).

البته با تأمل در نظر اخیر مشخص می‌شود که صاحب این نظریه، در نهایت مخالفتی با بازنشستگی ندارد، فقط در شیوه تأمین کارمندان، در دوران افتادگی و پیری نظری خاص ارائه می‌دهد. آنچه مهم است رها نکردن کسانی است که جوانی خود را برای دولت صرف کرده‌اند و اکنون باید حمایت شوند و این امر با روح اسلام هماهنگ است (قوامی، ۱۳۸۳: ۲۷۳). حضرت علی (ع) به مالک می‌فرمایند: «خدا را خدا را در مورد طبقات پایین اجتماع، آنان که چاره‌ای ندارند؛ مانند مستمندان، نیازمندان و ازکارافتادگان. قسمتی از بیت‌المال و قسمتی از غلات خالصه‌جات اسلامی را در هر محل برای آنان اختصاص بده (نهج البلاغه، نامه ۵۳). براساس همین دیدگاه در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در اصل بیست‌ونهم، بازنشستگی به‌عنوان حقی برای مردم و تکلیفی برای دولت در نظر گرفته شده و قید شده است: «برخورداری از تأمین اجتماعی از نظر بازنشستگی، بیکاری، پیری، ازکارافتادگی، بی‌سرپرستی، درراه‌ماندگی، حوادث و سوانح، نیاز به خدمات بهداشتی و درمانی و مراقبت‌های پزشکی به‌صورت بیمه و... حقی است همگانی. دولت موظف است طبق قوانین از محل درآمدهای عمومی و درآمدهای حاصل از مشارکت مردم، خدمات و حمایت‌های مالی فوق را برای یک‌یک افراد کشور تأمین کند» (منصور، ۱۳۹۸: ۴۱).

درباره مفهوم بازنشستگی پژوهش‌های مختلفی صورت گرفته است؛ برای نمونه در نورمگز به ۵۱ مقاله با «عنوان» بازنشستگی (و ۱۴۷ نتیجه «عنوان»، «کلیدواژه» و «چکیده») پژوهش می‌توان اشاره کرد؛ ازجمله:

یوسف اردبیلی در سال ۱۳۷۴ در مجله فرایند مدیریت و توسعه (شماره ۳۱)، مقاله‌ای با عنوان «بازنشستگی و روانشناسی بازنشستگان» منتشر کرد.

ایرج سلطانی و عباس روحانی در سال ۱۳۸۰ در مجله فرایند مدیریت و توسعه (شماره ۵۱)، مقاله‌ای با عنوان «راهکارهای غنی‌سازی فرایند روانی و اجتماعی بازنشستگی» منتشر کردند.

سعیده رحیمی در سال ۱۳۸۳ در مجله تازه‌های جهان بیمه (شماره ۷۶) مقاله‌ای با عنوان «چالش‌های آتی بیمه عمر و بازنشستگی» منتشر کرد.

حمیدرضا فرتوک‌زاده و دیگران در سال ۱۳۹۳ در مجله بهبود مدیریت (شماره ۲۵)، مقاله‌ای با عنوان «بازنمایی مفهوم بازنشستگی در گفتمان‌های پس از انقلاب اسلامی در ایران (با تأکید بر قانون برنامه‌های توسعه در کشور)» منتشر کرد.

درباره جناب حبیب بن مظاهر پژوهش‌های متعددی انجام شده است. برخی به کلیات زندگی او پرداخته‌اند؛ مانند:

علی القصیر، به همت قسم شؤون الفکرية و الثقافية فی العتبة الحسینية المقدسة در سال ۱۴۳۱ق کتابی با عنوان *حیة حبیب بن مظاهر الأسدی* در کربلا منتشر کرد.

در سال ۱۳۷۰ سید مهدی شجاعی، مقاله «مردان و رجزهایشان: حبیب بن مظاهر» را در مجله رشد معلم (شماره ۷۳) منتشر نمود.

در سال ۱۳۷۷ مصطفی غلامحسینی مقاله «پیر میدان‌دار عشق حبیب بن مظاهر» را در مجله فرهنگ کوثر (شماره ۱۴) منتشر کرد.

در سال ۱۳۸۲ غلامحسین صمیمی مقاله «حبیب بن مظاهر مرد دیانت و سیاست» را در مجله درس‌هایی از مکتب اسلام (سال ۴۳، شماره ۸) منتشر نمود.

در سال ۱۳۸۲ غلامحسین صمیمی در مقاله «استمداد حبیب بن مظاهر از بنی‌اسد» در مجله درس‌هایی از مکتب اسلام (سال ۴۳، شماره ۹) به این موضوع پرداخته است.

در سال ۱۳۸۶ لیلا اوصالی مقاله «حبیب بن مظاهر» را در مجله دانشنامه جهان اسلام (شماره ۱۲) منتشر کرد.

در سال ۱۴۳۳ السید علی عباس الموسوی مقاله «رجال نصروا الحسین: حبیب بن مظاهر» را در مجله بقیة الله (شماره ۲۴۳) منتشر کرد.

در سال ۱۳۹۱ جواد حسینی دو مقاله با عنوان «تاریخ و سیره: حبیب بن مظاهر صحابی فداکار» در مجله مبلغان (شماره ۱۵۹ و ۱۶۰) منتشر کرد.

در سال ۱۳۹۱ جواد محدثی مقاله «حبیب بن مظاهر؛ مظهر وفاداری به ولایت» را در مجله فرهنگ زیارت (شماره ۱۰-۱۱) منتشر کرد.

در سال ۱۳۹۴ سید عباس حسینی باقرآبادی مقاله «محوریت امام در زندگی؛ بر مبنای حرکت حبیب بن مظاهر از کوفه به کربلا» را در مجله مبلغان (شماره ۱۹۵) منتشر کرد.

در سال ۱۳۹۵ غلامرضا گلی زواره مقاله «حبیب نجیب؛ سیری در زندگی و کارنامه درخشان حبیب بن مظاهر اسدی» در مجله پاسدار/اسلام (سال ۳۵، شماره ۴۱۵-۴۱۶) منتشر کرد.

اما مقاله‌های کمتری از منظر زندگی قرآنی او به تحقیق نشسته‌اند:

در سال ۱۳۷۹ باقر دریاب نجفی مقاله «حبیب بن مظاهر اسوه قاریان» را در مجله فرهنگ کوثر (شماره ۳۸) منتشر کرد.

۴. روش پژوهش

به‌طور خلاصه با توجه به نیاز پژوهش می‌توان گفت که این تحقیق از لحاظ فلسفه پژوهش، تفسیری، از لحاظ جهت‌گیری پژوهش، بنیادی، از لحاظ رویکرد پژوهش، استقرایی، از لحاظ نوع پژوهش، کیفی و از لحاظ صبغه پژوهش، پژوهش کتابخانه‌ای است که براساس راهبرد پژوهشی تحلیل مضمون که یکی از راهبردهای پژوهش‌های کیفی به شمار می‌رود، انجام خواهد شد. شیوه گردآوری داده‌ها نیز براساس اسناد و مدارک کتابخانه‌ای خواهد بود (دانایی‌فرد و همکاران، ۱۳۸۶).

تحلیل مضمون، روشی برای شناخت، تحلیل و گزارش الگوهای موجود در داده‌های کیفی است. این روش، فرایندی برای تحلیل داده‌های متنی است و داده‌های پراکنده و متنوع را به داده‌هایی غنی و تفصیلی تبدیل می‌کند. تحلیل مضمون، صرفاً روش کیفی خاصی نیست بلکه فرایندی است که می‌تواند در اکثر روش‌های کیفی به کار رود. به‌طور کلی،

تحلیل مضمون، روشی است برای الف) دیدن متن؛ ب) برداشت و درک مناسب از اطلاعات به ظاهر نامرتبط؛ ج) تحلیل اطلاعات کیفی؛ د) مشاهده نظام‌مند شخص، تعامل، گروه، موقعیت، سازمان و یا فرهنگ؛ ه) تبدیل داده‌های کیفی به داده‌های کمی (عابدی جعفری و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۵۳).

تحلیل مضمون یکی از روش‌های متداول در تحلیل کیفی است. به هر حال آن به عنوان یک روش با جزئیات کمتری گفته شده و توجه اندکی به آن شده است. این نشان می‌دهد که به راحتی قابل دستیابی برای تازه‌کارها نیست. این فن مثل سایر فنون کیفی مبتنی بر نظریه خاصی نیست. در روش تحلیل مضمون، وظیفه محقق شناخت تعداد محدودی از مضمون‌هایی است که به طور کافی بازتاب‌دهنده داده‌های متنی است. این کار، کار ساده‌ای نیست. در اینجا محقق برای ارتباط‌سازی بین داده‌ها باید داده‌ها را کدگذاری نماید. در اینجا محققان توصیف لفظی مختصری برای مجموعه قابل توجهی از داده‌ها انجام می‌دهند. ممکن است تحلیلگر برای هر دو یا سه خط از داده‌ها یک کدی اختصاص دهد؛ البته قاعده خاصی برای آن وجود ندارد و ممکن است در موارد گوناگون، متفاوت باشد. بعد از کدگذاری، محقق باید تلاش کند تم‌هایی را شناسایی کند که مجموعه‌ای از این کدها را یکپارچه نماید. محقق نیاز دارد که هر مضمون را به صورت شایسته‌ای شناسایی نماید؛ لذا آن برای دیگران به صورت دقیق روشن خواهد شد که مضمون چیست (هاویت و کرامر،^۱ ۲۰۰۷: ۴۰۰).

در واقع در اینجا به صورت متوالی هر گزاره معنی‌دار را با تمام گزاره‌های قبلی مقایسه نموده و خوشه‌های مشابه توسط کدهای یکسان برچسب‌گذاری می‌شود. بعد از اینکه گزاره‌ها کدگذاری شدند، کدها به وسیله تشابهاتشان گروه‌بندی شده بر مبنای هر گروه‌بندی یک «مضمون» ایجاد می‌شود.

در این مقاله، در ابتدا به بازنشستگی در قرآن کریم و آیات ناظر به آن اشاره می‌شود. در گام بعد، نقد و بررسی مفهوم بازنشستگی در اندیشه رهبر معظم انقلاب صورت خواهد گرفت و در نهایت، شخصیت جناب حبیب به عنوان یک الگوی شاخص معرفی و رفتارهایش تبیین خواهد شد.

۵. یافته‌های پژوهش

۵-۱. بازنشستگی در قرآن کریم

۵-۱-۱. آیه ۲۶۸ سوره مبارکه بقره

«أَيُّودُ أَخَذَكُمْ أَنْ تَكُونُ لَهُ جَنَّةٌ مِنْ نَخِيلٍ وَأَعْنَابٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ لَهُ فِيهَا مِنْ كُلِّ الثَّمَرَاتِ وَأَصَابَهُ الْكِبَرُ وَلَهُ ذُرِّيَّةٌ ضُعَفَاءُ فَأَصَابَهَا إِغْصَارٌ فِيهِ نَارٌ فَاحْتَرَقَتْ كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ الْآيَاتِ لَعَلَّكُمْ تَتَفَكَّرُونَ»؛ آیا کسی از شما دوست دارد که باغی از درختان خرما و انگور داشته باشد که از زیر درختان آن نهرها بگذرد، و برای او در آن (باغ)، از هرگونه میوه‌ای وجود داشته باشد، درحالی‌که به سن پیری رسیده و فرزندان (کوچک و) ضعیف دارد؛ (در این هنگام)، گردبادی (کوبنده)، که در آن آتش (سوزانی) است، به آن برخورد کند و شعله‌ور گردد و بسوزد؟! (همین‌طور است حال کسانی که انفاق‌های خود را، با ریا و منت و آزار، باطل می‌کنند.) این‌چنین خداوند آیات خود را برای شما آشکار می‌سازد؛ شاید بیندیشید (و با اندیشه، راه حق را بیابید)!

این آیه به دوران ضعف و پیری و شدت نیاز در آن دوران اشاره دارند (قوامی، ۱۳۸۳: ۲۷۲). به تعبیر علامه طباطبائی ذیل این آیه:

خداوند تعالی در این مثل بین سالخورده‌گی و داشتن فرزندان ضعیف جمع کرده، - با اینکه معمولاً سالخوردگان فرزندانشان بزرگسال‌اند - و این به آن جهت بوده که شدت احتیاج به باغ نام‌برده را افاده کند، و بفهماند که چنین پیر مردی غیر از آن باغ هیچ ممر معیشتی و وسیله دیگری برای حفظ سعادت خود و فرزندان ندارد، چون اگر او را مردی جوان و نیرومند فرض می‌کرد، آن شدت احتیاج به باغ را نمی‌رساند، برای اینکه اگر باغ جوان نیرومند سوخت، می‌تواند به قوت بازویش تکیه کند، و نیز اگر سالخورده‌ای را بدون فرزند صغیر فرض می‌کرد، باز آن شدت حاجت به باغ افاده نمی‌شد، چون چنین پیرمردی خرج زیاد ندارد، و تهیدستی او به ناگواری تهیدستی پیر بچه‌دار نیست؛ چون اگر باغ چنین کسی خشک شود فکر می‌کند چند صبحی بیش زنده نیست و لذا خیلی ناراحت نمی‌شود و همچنین اگر در این مثل پیر مردی را مثل می‌زد که هرچند سالخورده است اما فرزندان نیرومند دارد، باز آن شدت حاجت به باغ ادا نشده بود، برای اینکه اگر باغ چنین پیرمردی بسوزد، با خود می‌گوید: سر فرزندان رشیدم سلامت، کار می‌کنند و خرج زندگی‌ام را درمی‌آورند،

چه حاجت به باغ دارند؛ اما اگر هر دو جهت یعنی زیادی سن و داشتن فرزندانی خردسال در کسی جمع شود و باغش که تنها ممر زندگی اوست از بین برود، او بسیار ناراحت می‌شود، زیرا نه می‌تواند نیروی جوانی خود را بازگرداند و دوباره چنان باغی به عمل بیاورد، و نه کودکان خردسالش چنین نیرویی دارند، و نه بعد از آتش گرفتن باغ امید برگشتن سبزی و خرّمی آن را می‌تواند داشته باشد» (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۲: ۶۰۳-۶۰۴).

البته موضوع آیه دربارهٔ اتفاق ریایی است؛ اما به‌خوبی بیانگر دوران ناتوانی و پیری است و اینکه باید از دوران جوانی با عزم و اراده، به فکر آن دوران نیاز بود (قوامی، ۱۳۸۳: ۲۷۲).

۵-۱-۲. آیه ۵۴ سوره مبارکه روم

«اللّٰهُ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ ضَعْفٍ ثُمَّ جَعَلَ مِنْ بَعْدِ ضَعْفٍ قُوَّةً ثُمَّ جَعَلَ مِنْ بَعْدِ قُوَّةٍ ضَعْفًا وَشَيْبَةً يَخْلُقُ مَا يَشَاءُ وَهُوَ الْعَلِيمُ الْقَدِيرُ»؛ خدا همان کسی است که شما را آفرید درحالی که ضعیف بودید؛ سپس بعد از ناتوانی، قوت بخشید و باز بعد از قوت، ضعف و پیری قرار داد؛ او هرچه بخواهد می‌آفریند، و دانا و تواناست.

در این آیه به یکی از دلایل توحید که دلیل فقر و غناست اشاره می‌کند و بحث‌هایی را که در سرتاسر سوره، دربارهٔ توحید آمده تکمیل می‌نماید و می‌گوید: در آغاز آن‌چنان ضعیف و ناتوان بودید که حتی قدرت نداشتید مگسی را از خود دور کنید یا آب دهان خویش را نگه دارید، این از نظر جسمانی، و از نظر فکری حتی پدر و مادر مهربانی را که دائماً مراقب شما بودند نمی‌شناختید؛ ولی کم‌کم دارای رشد و قدرت شدید، اندامی نیرومند و فکری قوی و عقلی توانا و درکی وسیع پیدا کردید و بااین حال نمی‌توانستید این قدرت را نگاه دارید و درست همانند انسانی که از دامنهٔ کوه بلندی به فراز قله رسیده، ازطرف دیگر سراشیبی را شروع کردید، و باز به قعر دره ضعف و ناتوانی جسمی و روحی رسیدید.

این دگرگونی‌ها و فراز و نشیب‌ها، بهترین دلیل برای این حقیقت است که نه آن قوت از شما بود، و نه آن ضعف، بلکه هر دو از ناحیهٔ دیگری بود، و این خود نشانهٔ آن است که چرخ وجود شما را دیگری می‌گرداند، و هرچه دارید عارضی است. جالب اینکه در مورد ضعف دوم که برای انسان پیش می‌آید، کلمهٔ «شَیْبَة» (پیری) را نیز اضافه می‌کند، ولی در ضعف اول، نامی از «کودکی» نمی‌برد. این تعبیر ممکن است اشاره به آن باشد که ضعف

پیری دردناک‌تر است، زیرا اولاً رو به‌سوی مرگ و فنا دارد، برعکس ضعف کودکی، و ثانیاً توفیقی که از پیران سالخورده و باتجربه دارند، هرگز از کودکان نیست؛ درحالی که گاه ضعف و ناتوانی آن‌ها یکسان است و این بسیار عبرت‌انگیز می‌باشد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱۶: ۴۷۹-۴۸۰).

۵-۱-۳. آیه ۶۸ سوره مبارکه یس

«وَمَنْ نُعَمِّرْهُ نُنَكِّسْهُ فِي الْخَلْقِ أَفَلَا يَعْقِلُونَ»؛ هرکس را طول عمر دهیم، در آفرینش واژگونه‌اش می‌کنیم (حافظه‌اش به فراموشی سپرده می‌شود، قدرت‌ش به ضعف می‌گراید و قامت‌ش خم می‌گردد و به ناتوانی کودکی باز می‌گردانیم)؛ آیا اندیشه نمی‌کنند؟!

کلمه «نعمه» از مصدر «تعمیر» است که به‌معنای طولانی کردن عمر است (تعبیر خانه را هم از این رو تعمیر گفته‌اند که باعث طول عمر آن است). و کلمه «نکسه» از مصدر «تنکیس» است که به‌معنای برگرداندن چیزی است به‌صورتی که بالایش پایین قرار گیرد و نیرویش مبدل به ضعف گردد، و زیادتش رو به نقصان گذارد. و انسان در روزگار پیری همین‌طور می‌شود: قوتش مبدل به ضعف، و علمش مبدل به جهل، و یاد و هوشش مبدل به فراموشی می‌گردد (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۷: ۱۶۰).

در آیات قبل خداوند فرمود: اگر بخواهیم چشم را نابینا و قیافه‌ها را دگرگون می‌کنیم؛ این آیه نمونه‌ای از این دگرگونی را در مورد سالمندان بیان می‌کند. سنت خداوند بر آن است که پیری همراه با شکستگی باشد. انسان هم باید به فکر از دست رفتن نعمت‌ها باشد: «لَطَمَسْنَا، مَسْخَنَا» و هم به فکر ضعیف شدن آن‌ها: «نُنَكِّسُهُ فِي الْخَلْقِ أَفَلَا يَعْقِلُونَ» (قرآنی، ۱۳۸۳، ج ۷: ۵۵۴).

۵-۱-۴. آیات ۷ و ۸ سوره شرح

آیات پایانی سوره شرح چنین است: «فَإِذَا فَرَغْتَ فَانصَبْ * وَإِلَىٰ رَبِّكَ فَارْغَبْ»؛ پس هنگامی که از کار مهمی فارغ می‌شوی به مهم دیگری پرداز، و به‌سوی پروردگارت توجه کن! این آیه خطاب به رسول خدا(ص) است و مطلبش به‌خاطر اینکه حرف «فاء» در آغازش آمده، نتیجه‌گیری از بیان آیات قبل است، که سخن از تحمیل رسالت و دعوت بر آن جناب داشت، و منت‌های خدا را بر او که شرح صدرش داده، وزر را از او برداشت و نامش را بلند

آوازه کرد، برمی شمرد، و در آخر، همه این‌ها را از باب یسر بعد از عسر دانست و بنابراین، معنایش این می‌شود: حال که معلوم شد هر عسری که تصور شود بعدش یسر می‌آید، و زمام عسر و یسر تنها به دست خداست و لا غیر، پس هرگاه از انجام آنچه بر تو واجب شده فارغ شدی، نفس خود را در راه خدا یعنی عبادت و دعا خسته کن، و در آن رغبت نشان بده، تا خدا بر تو منت نهاده راحتی که دنبال این تعب است و یسری که دنبال این عسر است، به تو روزی فرماید. بعضی از مفسران گفته‌اند: مراد این است که هرگاه از واجبات فارغ شدی، به نمازهای مستحب بایست. بعضی دیگر گفته‌اند: معنایش این است که هرگاه از نماز فارغ شدی به دعا پرداز. لیکن صاحبان این دو قول بر روی بعضی از مصادیق انگشت گذاشته‌اند و نمی‌توانند بگویند آیه تنها در این معنا نازل شده. بعضی دیگر گفته‌اند: معنایش این است که هرگاه از جنگ فارغ شدی، در عبادت بکوش. و بعضی گفته‌اند: مراد این است که هرگاه از دنیای فارغ شدی به آخرت پرداز، و بعضی وجوه دیگری ذکر کرده‌اند (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۲۰: ۵۳۴-۵۳۵). با توجه به اینکه در آیه شریفه موضوع «فراغت» معین نشده و «فانصب» از ماده «نصب» (بر وزن نسب) به معنای تعب و زحمت است، آیه بیانگر یک اصل کلی و فراگیر است، و هدف آن است که پیامبر (ص) را به عنوان یک الگو و سرمشق از اشتغال به استراحت بعد از پایان یک امر مهم بازدارد، و تلاش مستمر و پیگیر را در زندگی به او گوشزد کند. با توجه به این معنی روشن می‌شود که تمام تفاسیر فوق صحیح است ولی هر کدام به عنوان یک مصداق از این معنی فراگیر و عام، و چه برنامه سازنده و مؤثری که رمز پیروزی و تکامل در آن نهفته است، اصولاً بیکار بودن و فراغت کامل مایه خستگی، کم شدن نشاط، تنبلی و فرسودگی، و در بسیاری از مواقع مایه فساد و تباهی و انواع گناهان است. قابل توجه اینکه آمارها نشان می‌دهد به هنگام تعطیلات مؤسسات آموزشی میزان فساد گاهی تا هفت برابر بالا می‌رود! به هر حال مجموعه این سوره بیانگر عنایت خاص الهی به پیغمبر اکرم (ص) و تسلی او در برابر مشکلات، و وعده نصرت و تأیید او در برابر مشکلات و فراز و نشیب‌های راه رسالت است. و در عین حال مجموعه‌ای است امیدبخش، سازنده و حیات‌آفرین برای همه انسان‌ها و همه رهروان راه حق (مکارم شیرازی، ۱۳۷۵، ج ۲۷: ۱۳۰). این آیات بیانگر این حقیقت است که در نگاه دینی مفهومی به

نام بیکاری یا تعطیلی معنایی ندارد و هرچیزی که انسان را به‌نحوی از فضای تحرک و پویایی به رخوت و سستی بکشانند، ناپسند است. از این آیه می‌توان چنین برداشت کرد که اسلام با بازنشستگی به این معنا که گذشت روی خوشی نشان نداده و از پیروان خود تلاش همیشگی و پویایی دائم را خواسته است.

۵-۲. بررسی مفهوم بازنشستگی در اندیشه رهبر معظم انقلاب

چنان‌که بیان شد، هریک از دلایل موافقان و مخالفان بازنشستگی به‌نحوی صحیح است و در جای خود قابل دفاع؛ اما آنچه هدف اصلی این نوشتار است، بیان چند ملاحظه با تأکید بر اندیشه رهبر معظم انقلاب است که برخی از تعارض‌های ظاهری دلایل را برطرف خواهد کرد و به‌گونه‌ای بین آن دو دسته وجه جمعی ایجاد خواهد نمود:

۵-۲-۱. جوان، پیشران حرکت سازمان

یکی از اصلی‌ترین لوازم دستیابی به اهداف سازمان بدون تردید حضور نسل جوان مؤمن و انقلابی در صحنه است؛ این مطلبی است که برای هر مجموعه‌ای ضروری است و حتماً باید در نظر داشت. «اندیشه پیران و فکر و تجربه آن‌ها آن‌وقتی به کار می‌آید که حرکت جوانانه جوانان وجود داشته باشد؛ پیشران حرکت انقلاب، جوان‌ها هستند (امام خامنه‌ای مد ظله العالی، ۱۳۹۵/۳/۹) و گردش نفرات و ورود افراد جدید به یک سازمان فرصتی برای پویایی و فعالیت نو به نوبت آن است. «هر مجموعه جوانی، هر نسلی، وقتی از جوانی پا می‌گذارد به میانسالی، در واقع این امانت را تحویل می‌دهد به نسل جوان بعد از خودش و این سلسله تمام‌نشدن است» (همان). این حقیقتی است که در عالی‌ترین نوع آن در کشور باید اتفاق بیفتد تا کشور به اهدافش دست یابد. «بی‌شک فاصله میان باید‌ها و واقعیت‌ها، همواره وجدان‌های آرمان‌خواه را عذاب داده و می‌دهد، اما این فاصله‌ای طی‌شدنی است و در چهل سال گذشته در مواردی بارها طی شده است و بی‌شک در آینده، با حضور نسل جوان مؤمن و دانا و پُرانگیزه، با قدرت بیشتر طی خواهد شد.» «دنیا به جوان ایرانی و پایداری ایرانی و ابتکارهای ایرانی، در بسیاری از عرصه‌ها با چشم تکریم و احترام می‌نگرد. قدر خود را بدانید و با قوت خداداد، به‌سوی آینده خیز بردارید و حماسه بیافرینید» (همو، بیانیه گام دوم انقلاب).

۵-۲-۲. معنای جوان‌گرایی، پیرزدایی نیست

نکته دیگری که نباید غفلت داشت این است که جوان‌گرایی به معنای کنار گذاشتن و عدم استفاده از تجارب متقن و ماندگار نیست. یک سازمان در طول زمان، تجربه‌های گران‌قیمتی می‌آموزد که بهره‌گیری از آن تجربه‌ها و مهارت‌ها ضرورتی عقلانی است. «شنیدم بعضی‌ها گفتند فلانی می‌گوید "جوان‌گرایی یعنی پیرزدایی"؛ بنده این را رد می‌کنم، مراد من پیرزدایی نیست. جوان‌گرایی یک معنایی است، باید روی آن فکر کرد، تأمل کرد؛ یک معنای روشنی از جوان‌گرایی داریم؛ معنایش پیرزدایی نیست» (همو، ۱۳۹۷).

۵-۲-۳. عنایت به خطر انقطاع نسلی

مطلب مهم دیگری که باید به آن عنایت داشت، این است که افراد پیر می‌شوند، اما سازمان نباید پیر شود. معنای این جمله آن است که از همه عناصری که می‌توانند به این تجدیدپذیری کمک کنند، باید استفاده بشود. خصوصیت جوان‌گرایی که خصوصیت مثبتی است باید همراه با استفاده از مجربان، کارکشتگان و قدیمی‌ها باشد؛ یعنی قدیمی‌ها، کارکشته‌ها که امتحان داده‌اند، کارهایشان را کرده‌اند، فعالیت‌های فراوانی داشته‌اند، باید در این تجدیدپذیری مورد استفاده قرار بگیرند؛ بدون حضور آن‌ها تجدیدپذیری مشکل خواهد بود یا گاهی ممکن نخواهد بود. انقطاع نسلی نباید به وجود بیاید؛ به‌خصوص که قدیمی‌های ما کارها کردند، در عمل، امتحان‌ها پس دادند که امتحان‌های بزرگی است (همو، ۱۳۹۴).

۵-۲-۴. توجه به شاخصه نشاط به‌جای سن

شاید برای رفع این دوگانه جوان و پیر بتوان به شاخص نشاط توجه شود که تصمیمات سازمانی با آن کاراتر و اثرگذارتر خواهد شد. بعضی اوقات افرادی که در سنین جوانی هم نیستند، کارهای جوانانه خوبی را می‌توانند انجام بدهند:

من البته - همچنان‌که قبلاً هم در سال گذشته تأکید کردم و مکرر هم گفته‌ام - به دولت جوان و حزب‌اللهی معتقدم و به آن امیدوارم و البته دولت جوان صرفاً به معنای این نیست که باید یک رئیس‌دولت جوان، آن‌هم مثلاً جوان به معنای ۳۲ ساله داشته باشد؛ نه، دولت جوان، [یعنی] یک دولت سر پا و بانشاط و آماده‌ای که در سنینی باشد که بتواند تلاش کند و کار بکند و خسته و از کار افتاده نباشد؛ منظور این است.

بعضی‌ها تا سنین بالا هم به یک معنا جوان‌اند؛ حالا همین شهید عزیزی که شما از او اسم بردید - شهید سلیمانی، و بنده شب و روز به یاد او هستم - شصت و چند سال سنش بود، ایشان که خیلی جوان نبود؛ اگر ده سال دیگر هم زنده می‌ماند و بنده زنده می‌ماندم و بنا بود که من مشخص بکنم، او را در همین جا نگه می‌داشتم، یعنی کنار نمی‌گذاشتم او را که جوان هم نبود. بنابراین بعضی اوقات افرادی که در سنین جوانی هم نیستند، کارهای جوانانه خوبی را می‌توانند انجام بدهند. به هر حال به نظر من علاج مشکلات کشور، دولت جوان حزب‌اللهی و جوان مؤمن است که می‌تواند کشور را از راه‌های دشوار عبور بدهد (همو، ۱۳۹۹).

۵-۲-۵. لزوم جایگزینی نسل جدید به جای بازنشستگان

ما از لحاظ کمیت معلمان دچار مشکلیم. آن چیزی که به من گزارش دادند، این است که الان حدود هفتاد هزار معلم ما در شرف بازنشستگی‌اند، درحالی‌که حدود نصف این جمعیت را می‌توانیم جذب کنیم و می‌خواهیم جذب کنیم؛ [این] مشکل بزرگی است. باید کار کرد روی این قضیه که حالا من راجع به دانشگاه فرهنگیان یک اشاره‌ای خواهم کرد و عرض خواهم کرد (همو، ۱۴۰۱).

بنده هم اطلاع دارم که کمیت‌ها بالا رفته؛ باید هم بالا برود، هنوز هم کم است، هنوز هم آموزش و پرورش در معرض بازنشستگی وسیعی است و باید جبران بشود؛ هم کمیت‌ها را بازهم باید زیاد کرد، هم کیفیت‌ها را باید بالا برد (همو، ۱۳۹۸).

۵-۲-۶. لزوم توجه به بازنشستگی نیروها

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای با تأکید بر سفارش همیشگی خود به بهبود معیشت معلمان، افزودند: با وجود مشکلات امکانات دولتی، اما به مسائل معیشتی، بیمه، بازنشستگی و درمان معلمان توجه ویژه شود (همو، ۱۴۰۱).

آن وقت همین‌جا وظیفه‌ای بر دوش دولت است. باید به آن خانم‌هایی که حالا به هر دلیلی، به هر جهتی، با هر ضرورتی، کار تمام‌وقت یا نیمه‌وقت را قبول کرده‌اند، کمک بشود تا بتوانند به مسئله مادری برسند، به مسئله خانه‌داری برسند. با مرخصی‌ها، با زمان

بازنشستگی، با مدت کار روزانه، به‌نحوی باید دولت کمک کند تا این خانمی که حالا به هر دلیلی آمده اینجا شاغل شده، بتواند به آن قضیه هم برسد (همو، ۱۳۹۰).

۵-۲-۷. لزوم داشتن تلاش مستمر در طول عمر

همه باید تلاش کنیم؛ شما یک‌جور تلاش می‌کنید، من یک‌جور تلاش می‌کنم. خب الحمدلله شما جوان هستید، تلاشتان هم آسان‌تر و هم موفق‌تر است. ما دیگر سنین پیری و در واقع به‌طور متعارف سنین بازنشستگی مان است. منتها ما بازنشستگی نداریم؛ ما تا آن دم آخر باید حرکت کنیم. لکن کار خودمان را می‌کنیم. من به شما عرض بکنم، بنده همین روزهایی که الان در خدمت شما هستیم، کارم را از ساعت پنج صبح شروع می‌کنم؛ یعنی شروع کار من از ساعت پنج صبح است. بعد از نماز صبح می‌روم مشغول کار می‌شوم، تا بعد بیایم درس بگویم، بعد برویم یک استراحتی بکنیم، باز مشغول کار بشویم تا ظهر و تا عصر و حالا تا هروقت که بشود، تا شب. الان هم که نزدیک ساعت ده است. بنده ساعت ده و ربع، ده و نیم معمولاً دلم می‌خواهد بخوابم اگر بشود. کار باید کرد برادران؛ هرچه می‌توانید از این جوانی استفاده کنید، جوانانتان را هم تشویق کنید؛ کار بزرگی در پیش دارید برای اداره این کشور، این کشور به شما جوان‌ها در آینده احتیاج دارد (همو، ۱۳۹۵/۲/۲۰).

آینده، آینده روشنی است؛ افق، افق خوبی است، منتها این به‌معنای این نیست که ما یک بالش نرمی زیر سر خودمان بگذاریم و دل به خواب بدهیم؛ نه، باید کار کرد، باید تلاش کرد. تلاش زمان نمی‌شناسد، مدت و سرآمد نمی‌شناسد، بازنشستگی نمی‌شناسد. در همه دوران‌ها در زندگی انسان، امکان تلاش وجود دارد، باید این امکان را پیدا کنیم و عزم و همت کنیم بر تلاش، و با جد حرکت کنیم. «قَوَّ عَلَى خِدْمَتِكَ جَوَارِحِي وَ أَشَدَّ عَلَى الْعَزِيمَةِ جَوَانِحِي»؛ از خدای متعال در دعای کمیل، امیرالمؤمنین می‌خواهد، به ما یاد می‌دهد که عرض کنیم پروردگارا! جوارح ما را، جسم ما را، بدن ما را، برای انجام خدمات لازم قوی کن، عزم ما را هم راسخ کن. دنبالش: «و هَبْ لِي الْجِدَّ فِي خَشْيَتِكَ»؛ درمقابل خدای متعال به‌جد دچار خشیت و ملاحظه باشیم. خدا را حاضر و ناظر بدانیم و این احساس یک احساس جدی باشد؛ لَقْلَقَهُ زَبَانُ نَبَاشِدٍ «والدام فی الاتصال بخدمتک» خدمت را هم قطعه‌قطعه نکنیم؛ متصل، این خط خدمت را پیش برویم (همو، ۱۳۹۱).

خدای متعال این انسان بزرگ را برای چنین موقعیتی ذخیره کرد. امام وقتی وارد ایران شدند، ۷۹ سال داشتند. در این سن، آدم‌های قوی یک عمر کار کرده‌اند؛ امام هم که یک عمر کار کرده بودند؛ بیکار که نبودند. علاوه بر درس و بحث و تألیف و تحقیق و تربیت شاگرد، سال‌های متمادی هم این همه کار سیاسی کرده بودند؛ آن موقع وقت استراحت بود. این‌ها معجزات الهی است؛ خدای متعال می‌خواهد قدرت‌نمایی کند. در آن سال‌های بازنشستگی و پیری و وقتی که هیچ کار از انسان بر نمی‌آید، نوترین شکوفه‌ها و برگ‌های زیبا از این درخت کهن روید و توانست دنیا را منور و معطر کند (همو، ۱۳۸۲).

یادم هست که در همان سال چهل و یک ایشان در سخنرانی خود گفتند که من امسال ۶۳ سال دارم، که اگر مرا بکشند، تازه در سنی از دنیا رفته‌ام که پیامبر و امیرالمؤمنین در این سن از دنیا رفتند. مرد ۶۳ ساله، جوانان را گرم می‌کرد و به آنان نیرو و نشاط می‌داد. ایشان وقتی که وارد تهران شدند و وقایع روزهای دوازده بهمن به بعد و حادثه پیروزی انقلاب اتفاق افتاد، مردی نزدیک ۸۰ ساله بودند. ببینید پیرمردی در این سن - که وقت بازنشستگی و خستگی و بیکارگی است - این‌گونه با نشاط جوانان وارد میدان می‌شوند (همو، ۱۳۷۷/۱۱/۱۳).

۵-۲-۸. اخلاص منشأ اثر در دوران بازنشستگی

اخلاص این مرد - امام - همه کارهای زیبایی که در عمرش کرد، آن مجاهدت، آن تلاش، آن فریادها، آن ایستادگی‌ها، آن تصمیم‌گیری‌های دشوار و آن رنج‌هایی که در دوران عمر بازنشستگی - یعنی بین هشتادسالگی و نودسالگی - دید. همه این ماجراهای بعد از انقلاب، تقریباً از حدود ۷۹ سالگی، تا ۸۹ سالگی از امام سر زد. یک جسم بود که یک روح داشت و آن روح، عبارت از اخلاص بود. اگر آن روح نبود، همه این کارها ارزش نداشت؛ اثر هم نمی‌کرد (همو، ۱۳۷۷).

۵-۲-۹. لزوم عدالت در بازنشستگی

زرنگ‌ترها، بی‌ملاحظه‌ترها، بی‌قانون‌ترها، بی‌خدا ترها، کسانی که دلشان به خون امثال شهدای هفتم تیر نمی‌تپد، در چنین شرایطی سوءاستفاده می‌کنند. کسانی که بارها بر دوش آن‌هاست، سرشان بی‌کلاه می‌ماند؛ یعنی اکثریت کشور، یعنی طبقه مستضعفین، یعنی پابره‌نه‌ها، یعنی

کسانی که بار تورّم بر روی دوش آنهاست و گرانی‌ها بر آنها فشار می‌آورد؛ یعنی طبقه کارمند، طبقه کارگر، کسبه ضعیف، قضات پاک‌دامن، قاضیانی که در سنین نزدیک به بازنشستگی باید چند کیلو پرونده را زیر بغل بگذارند، به خانه ببرند و فصل تابستان در یک اتاق گرم بنشینند، ساعت‌ها بررسی کند برای اینکه درآمدی در مقابل آن داشته باشد! فشارها روی این‌هاست؛ این‌ها عقب می‌مانند. این خلاف عدالت است (همو، ۱۳۷۷).

۶. شخصیت جناب حبیب

حبیب بن مُظَاهِر اسدی که در منابع رجالی و تاریخی، از وی با نام حبیب بن مُظَاهِر فَقْعَسی نیز یاد شده، از یاران خاصّ امام علی، امام حسن و امام حسین(ع) بوده است؛ بلکه به گفته ابن حجر، دوران پیامبر خدا(ص) را نیز درک کرده است. وی در دوران حکومت امام علی(ع)، یکی از اعضای «سپاه ویژه» ایشان که «شُرطَةُ الْخَمِیس» نامیده می‌شد، بوده است. مذاکرات حبیب بن مظاهر با میثم تمار و رشید هَجَری درباره آینده، نشانه آن است که آنان، از اصحاب سیر امام علی(ع)، و برخوردار از کمالات بلند معنوی و علم متّایا و بلایا (مرگ‌ها و حادثه‌ها) بوده‌اند. وی، در زمره نخستین کسانی بود که از امام حسین(ع) برای آمدن به کوفه دعوت کردند و پس از ورود مسلم به کوفه و قرائت نامه امام(ع) برای مردم کوفه، پس از عابَس که ضمن اظهار تردید در صداقت مردم کوفه، سوگند یاد کرد که شخصاً دعوت امام(ع) و نماینده ایشان را می‌پذیرد و برای رضای خدا با دشمنان آنان می‌جنگد تا خدا را ملاقات کند، از جا برخاست و گفت: خداوند، تو را پیامرزد! آنچه را در نظر داشتی، با سخنی کوتاه، بیان کردی. سپس گفت: به خداوندی که جز او خدایی نیست، سوگند، من هم نظری همچون نظر او دارم. پس از سخنان این دو نفر، بیعت مردم با مُسَلِم بن عقیل، آغاز شد. همچنین حبیب، در بیعت گرفتن از مردم کوفه، نقشی فعال داشت (محمّد ری‌شهری، ۱۳۸۸، ج ۶: ۲۳۵).

۶-۱. نمونه‌های زندگی پرتلاش در الگوی زندگی جناب حبیب

نمونه‌های زندگی پرتلاش جناب حبیب فراوان‌اند؛ برای نمونه به برخی اشاره می‌شود:

۶-۱-۱. نقش حبیب در کربلا

وی پس از حضور در کربلا نیز برای جذب نیرو برای سپاه امام(ع) از طایفه بنی‌اسد و

برخورد با دشمنان، تلاش‌های فراوانی داشت. حبیب در روز عاشورا، فرماندهی جناح چپ سپاه امام(ع) را به عهده داشت و از آرامش و روحیه بسیار بالایی برخوردار بود؛ چنان‌که در آستانه شهادت، شاد بود و براساس نقلی، با هم‌زمان خود، شوخی می‌کرد. بُریر به او گفت: برادر! الان وقت خنده نیست. حبیب پاسخ داد: کجا برای شادمانی بهتر از اینجا؟ به خدا سوگند، جز این نیست که این گروه اوباش، با شمشیرهایشان به ما هجوم می‌آورند و ما با حورالعین هم‌آغوش می‌شویم وی درحالی‌که این اشعار را زمزمه می‌کرد، به سپاه دشمن حمله‌ور شد: من، حبیب و پدرم، مُظاهر است یکه‌سوار پیکارجو، میان شعله‌های جنگ. شما، آماده‌تر و پُرشمارترید و ما وفادارتر و شکیباتر از شمایم. ما حجتی برتر و حقی روشن‌تر داریم و از شما پرهیزکارتریم و دلیل بهتری داریم. او همچنان رزمید تا به خیل شهدای کربلا پیوست. شهادت حبیب، برای امام حسین(ع)، بسیار ناگوار بود. لذا هنگامی که وی شهید شد، فرمود: من، شهادت خود و یارانِ حمایت‌گرم را به حساب خدا می‌گذارم. در «زیارت ناحیه مقدسه» آمده است: سلام بر حبیب بن مُظاهر اسدی! نام وی در «زیارت رجبیه» هم آمده است (محمّدی ری‌شهری، ۱۳۸۸، ج ۶: ۲۳۷-۲۳۹).

۶-۱-۲. تلاش در هشتادسالگی

همه تلاش‌های جناب حبیب در اوج ماجرای کربلا در زمانی است که به شهادت تاریخ بیش از هشتاد سال سن (۱۴ قبل از هجری - ۶۱ هجری) دارد (السمّاوی، ۱۴۱۹ق: ۱۰۲؛ الامین، ۱۴۰۳ق، ج ۴: ۵۵۳؛ الشبستری، ۱۴۲۱ق، ج ۱: ۳۲۵ حرف الحاء/ الرقم).

حبیب با جمله معروف امام به او شناخته می‌شود: «لِلّهِ دِرْکُ یَا حَبِیبَ لَقَدْ کُنْتَ فَاضِلاً تَخْتِمُ الْقُرْآنَ فِی لَیْلَةٍ وَاحِدَةٍ» (القمی، ۱۴۲۷ق، ج ۱: ۵۰۶).

به‌عنوان نمونه‌ای از وسعت فعالیت‌هایش، او در زمره نخستین کسانی بود که از امام حسین(ع) برای آمدن به کوفه دعوت کردند و پس از ورود مسلم(ع) به کوفه و قرائت نامه امام(ع) برای مردم کوفه، پس از عابس که ضمن اظهار تردید در صداقت مردم کوفه، سوگند یاد کرد که شخصاً دعوت امام(ع) و نماینده ایشان را می‌پذیرد و برای رضای خدا با دشمنان آنان می‌جنگد تا خدا را ملاقات کند، از جا برخاست و گفت: خداوند، تو را بیامرزد! آنچه را در نظر داشتی، با سخنی کوتاه بیان کردی. سپس گفت: به خداوندی که جز او خدایی نیست

سوگند، من هم نظری همچون نظر او دارم. پس از سخنان این دو نفر، بیعت مردم با مُسلم بن عقیل آغاز شد. همچنین حبیب در بیعت گرفتن از مردم کوفه نقشی فعال داشت (طبری، ۱۴۰۹ق، ج ۴: ۲۶۴) تا حرکت‌های بعدی که هرکدام برگ زرینی در زندگی اوست.

۳-۱-۶. بیعت گرفتن برای نماینده امام مسلم بن عقیل

حبیب تبلیغش قبل از واقعه عاشورا شروع شد؛ موقعی که نماینده امام مسلم بن عقیل به کوفه آمد، حبیب از نفس آتشینش استفاده می‌کرد و برای امام بیعت می‌گرفت. حبیب و مسلم (بن عوسجه) در کوفه برای حسین بیعت می‌گرفتند، تا آنکه عبدالله زیاد به آن شهر درآمد و مردم را از گرد مسلم پراکند و یارانش را فراری داد.^۳

۴-۱-۶. همراه کردن مسلم بن عوسجه با خودش برای رفتن به کربلا

نفس آتشین حبیب باعث شد که رفیق دیرینه‌اش مسلم بن عوسجه کربلایی شود. او پس از دریافت نامه امام (ع) خود را برای پیوستن به حضرت آماده کرد و در این راه با سخنانش مسلم بن عوسجه را نیز جزو یاران حضرت کرد و کربلایی کرد.

پس از دریافت نامه، حبیب عصر آن روز به صورت ناشناس از خانه بیرون رفت، با دوست دیرینه خود مسلم بن عوسجه ملاقاتی کرد و قراری گذاشت و اسب و شمشیر خود را به غلامش داد تا در بیرون شهر و پشت نخلستان منتظر او باشد و آن‌ها را به او تحویل دهد. حبیب آن شب با همسرش وداع نمود و خانه را ترک کرد و به سمت کربلا روانه شد.^۴

۵-۱-۶. آوردن سپاه برای حضرت در شب هفتم محرم

ابن ابوطالب گوید: حبیب هنگام رسیدن به امام حسین (ع) و دیدن شمار اندک یاران و فراوانی شمار دشمنان آن حضرت گفت: در این نزدیکی قبیله‌ای از بنی‌اسد هستند، اگر اجازه بدهید می‌روم و آنان را به یاری تو دعوت می‌کنم. شاید خداوند هدایتشان کند و به وسیله آنان بلیه را از تو بگرداند! امام حسین (ع) به وی اجازه فرمود. او به سوی قومش رفت و در دعوت قومش به آن‌ها گفت: شما خویشاوندان من هستید. من این نصیحت را به شما می‌کنم. پس بیایید و امروز سخن مرا درباره نصرت حسین بشنوید تا بدین وسیله به شرافت دنیا و آخرت نائل شوید. من به خدا قسم می‌خورم احدی از شما با پسر پیامبر (ص)

در راه خدا شهید نخواهد شد مگر اینکه در اعلیٰ علّین بهشت با حضرت محمد(ص) رفیق خواهد بود. با این نفس آتشین حبیب حدود ۹۰ نفر داوطلب پیوستن به سپاه امام شدند.^۵

۶-۱-۶. خرج آبرو

حبیب در کربلا برای تبلیغ از آبرویش هم گذشت؛ ریش سفیدش را در قبیله بنی‌اسد گرو گذاشت تا برای امامش یار بیاورد. حبیب در کربلا از جاناش هم گذشت ولی از آبرو گذاشتن حتی از جان گذاشتن سخت‌تر است.

آبروی حبیب به برکت قرآن و عترت بود و او این آبرو را در راه این عزیزان حاضر بود استفاده کند. مبلّغ باید بداند که آبرویش به واسطه اسلام است پس اگر لازم بود به‌خاطر اسلام آبرویش را خرج کند دریغ نکند چون مال خودش نیست.

یادی از جمله مقام معظم رهبری در نماز جمعه در نجوا با امام زمان «اندک آبرویی دارم و آن‌هم شما به من داده‌اید».^۶

۶-۱-۷. دعوت به حق

اگر مبلّغ دعوت و تبلیغی داشته باشد بی‌اثر نیست. دیر یا زود اثر آن به صاحبش برمی‌گردد و اگر تو در زندگی اثر آن را نبینی، بعد از تو اثرش به‌عنوان یک زاد و توشه صالح به جای خواهد ماند.^۷

برای اینکه بدانی کار حبیب بی‌اثر نماند، قصه بعد از او را بخوان...

حبیب رفت به‌سوی بنی‌اسد و ۹۰ نفر را روانه به‌سوی حسین کرد. هرچند این ۹۰ نفر به کاروان حسینی نرسیدند و درظاهر تبلیغ حبیب اثربخش نبود، همین کار باعث شد تا بنی‌اسد متوجه این اتفاق بزرگ بشوند، بدانند در همین حوالی کربلایی و عاشورایی در شرف اتفاق است. برکت کار تبلیغی حبیب در این بود که پس از شهادت امام و یارانش همین بنی‌اسد بیایند برای دفن شهدای کربلا. علاوه بر این، این دعوت برای خودش نیز فایده‌ای داشت، قبر حبیب به سفارش همین بنی‌اسد از دیگر اصحاب جدا شد، بین مصرع و مقتل امام.

شهادت حبیب به‌عنوان نخستین فرمانده امام، برای امام بسیار سخت و گران بود؛ به‌گونه‌ای که حضرت پس از شهادت حبیب فرمود: جان خود و یارانم را به حساب خداوند می‌گذارم (که اجر ما را بدهد).

ازسوی دیگر شهادت او در لشکر عمر ابن سعد هم آنچنان مهم بود که بر سر اینکه چه کسی خود را قاتل او معرفی کند، میان مرد تمیمی و فرمانده اش حصین بن نمیر درگیری ایجاد شد تا کار به جایی رسید که بین آنها مصالحه کردند.^۸

۶-۱-۸ هجرت از راحتی

پیرمردانی مثل حبیب بن مظاهر و مسلم بن عوسجه که از راحتی دوران پیرمردی و بستر گرم و نرم خانه شان گذشتند و سختی را تحمل کردند، نمونه بارز مبلغانی هستند که دغدغه مند هستند. این گونه مبلغان هیچ چیزی مانعشان نمی شوند.

حر هم یک نمونه از کسانی است که از داشته های خود گذشت تا به حسین برسد. آن سردار شجاعی که در میان دشمنان جایگاهی داشت، از آن جایگاه صرف نظر کرد و به امام پیوست.^۹

سن حبیب؟

آیا مسن بودن حبیب سبب مرجعیت این شخصیت بین اصحاب بود؟ اگر این است پس چرا انس و مسلم بن عوسجه که مسن بودند این مقام را پیدا نکردند؟ مسن بودن تنها ملاک تشکیلاتی بودن و محل رجوع بودن نیست. نباید تنها سن را عامل تشکیلاتی بودن افراد قرار داد.

۶-۱-۹. حبیب تکیه گاه (نقطه اتکا)

بر مبنای تحلیل سیستمی که در علم مدیریت وجود دارد می خواهیم تکیه بودن حبیب را بررسی کنیم. نگاه سیستمی به این گونه است برای هرکاری سه مرحله قائل است:

ورودی.....> پردازش.....> خروجی

• تکیه گاهی حبیب در ورود به کربلا (ورود)

○ وقتی آمد زینب کبری به او سلام رساند و قوت قلب گرفت به خاطر آمدن حبیب.

▪ وقتی حبیب به کربلا رسید، یاران حسین به استقبال حبیب شتافتند. زینب کبری پرسید: چه خبر است که یاران به هم برآمده اند؟ گفتند: حبیب بن مظاهر به یاری شما آمده است. حضرت فرمود: سلام مرا به حبیب برسانید. چون سلام زینب کبری را به

حبیب رسانیدند، حبیب کفی از خاک برگرفت و بر فرق خود پاشید و گفت: من کیستم که دختر کبرای امیر عرب به من سلام رساند.^{۱۰}

هلال بن نافع شنید زینب کبری دلش از جانب اصحاب مطمئن نیست، دلش سوخت و گریست و به سوی خیمه حبیب بن مظاهر راه افتاد.

حبیب را دید که بر زمین نشسته و شمشیر آخته خود را در دست دارد. سلام کرد و بر در خیمه نشست. حبیب پرسید: هلال! چرا آمدی؟ او آنچه دیده و شنیده بود گزارش کرد.

حبیب گفت: آری به خدا سوگند اگر منتظر فرمانش نبودم، هم‌امشب به نبرد این نامردمان می‌شتافتم و با این شمشیر درمانشان می‌کردم!

هلال گفت: حبیب! من از حسین(ع) درحالی که بیم و هراس اهل‌بیتش را داشت، جدا شدم و گمان می‌کنم بانوان همه بیدارند و با زینب(س) در آن نگرانی و بی‌تابی شریک‌اند. آیا می‌خواهی اصحاب را گرد آوری. [و بار دیگر اعلان وفاداری کنند تا] سخنان ایشان را بشنوند و آرامش یابند؟! من زینب(س) را چنان آشفته دیدم که قرار از کفم رفت.

حبیب گفت: من در اختیارم. حبیب که هلال کنارش ایستاده بود، در ناحیه‌ای ایستاد و اصحاب را فراخواند، همه از خیمه‌ها بیرون آمده و جمع شدند.

حبیب به بنی‌هاشم گفت: چشمانتان نگران مباد. شما به خیمه‌های خود برگردید. سپس اصحاب را خطاب کرده و گفت: ای جوانمردان و شیران سختی‌های نبرد! هم اینک هلال، چنین و چنان می‌گوید: او خواهر امام و بانوان حرم را نگران و گریان دیده است. اکنون بگویید در وفاداری چگونه‌اید؟ اصحاب شمشیرها از نیام کشیدند و عمامه‌های خود افکندند و گفتند: هان ای حبیب! سوگند به خدایی که به حضور در محضر عاشورای حسین(ع) بر ما منت نهاد، اگر این نامردمان یورش آوردند، سرهایشان را درو می‌کنیم و آنان را با خواری و پستی به نیاکانشان ملحق می‌سازیم و سفارش رسول خدا(ص) را در حق اهل‌بیت(ع) پاس می‌داریم. حبیب گفت: اینک با من بیایید. آمدند تا میان طناب‌های خیام ایستادند.

حبیب ندا کرد: ای خاندان و سروران ما، ای بانوان نگران حرم پیامبر(ص)! این شمشیرهای آخته یاران شماست که مصمم اند آن را جز در گردن بد خواهان شما فرو نبرند و این نیزه های غلامان شماست که سوگند یاد کرده اند که آن را جز در سینه این نامردمان که آهنگ پراکندگی شما دارند جا ندهند. امام(ع) فرمود: ای آل الله بیرون آیید. اهل حرم گریه کنان از خیام بیرون آمده و گفتند: ای پاکان امت از فرزندان فاطمه(س) پاسداری کنید. اگر از بلاها و دشمنان به جد مان شکوه بریم و او فرماید: مگر حبیب و اصحاب حبیب نمی شنیدند و نمی دیدند، چه خواهید گفت؟! سوگند به آن خدایی که هیچ معبود بحقی جز او نیست، اصحاب آن چنان ضجه زدند که دشت کربلا طوفانی شد و اسبها رمیدند و در هم آمدند و شیهه زدند که گویی صاحب و سوار خود را فریاد می کنند.^{۱۱}

۶-۱-۱۰. استاد گفتمان سازی

گفتمان سازی مقدمه تشکیلات و مقوم انسجام آن است.

نمونه هایی از گفتمان سازی های حبیب

- تو اوصی با مسلم برای رفتن به کربلا؛
- اعلام وفاداری اصحاب به امام(ع)؛
- در مبارزات فرهنگی عاشورا، زبانش عامل شهادتش می شود (داستان حصین بن نمیر).

○ حصین بن تمیم ملعون در ظهر عاشورا که امام(ع) آماده اقامه نماز می شدند؛ خطاب به امام(ع) گفت: نماز او (ابا عبدالله الحسین ع) قبول نمی شود. حبیب که توهین به امام، خط قرمز وی محسوب می شود و الان به خط قرمز وی تجاوز شده؛ خشمگین شده و در جواب به او می گوید: «زعمت الصلوة من آل الله لا تُقْبَل و تُقْبَل منك یا حمار».^{۱۲} با این سخن که دیگر حصین بن تمیم، تاب تحمل این جواب دندان شکن را نداشت به سمت وی حمله ور شد.

۶-۱-۱۱. حبیب قرآنی

حبيب قرآنی با جمله معروف امام به او شناخته می شود: «لِلَّهِ دَرَكٌ يَا حَبِيبَ لَقَدْ كُنْتَ فَاضِلًا تَخْتِمُ الْقُرْآنَ فِي لَيْلَةٍ وَاحِدَةٍ!»^{۱۳}

۶-۱۲. حبيب دين شناس (فقيه)

در نامه ای که حضرت خطاب به حبيب کرد، او را فقيه خواند. من الحسين بن علی بن ابی طالب الى الرجل «الفقيه» حبيب بن مظاهر اما بعد: «يا حبيب؛ فانت تعلم قرابتنا من رسول الله (ص) وانت اعرف بنا من غيرك؛ و انت ذوشيمة و غيره فلا تبخل علينا بنفسك، يجازيك رسول الله (ص) يوم القيامة».^{۱۴}

از حسين بن علی به مرد فقيه، حبيب بن مظاهر اما بعد ای حبيب! تو قرابت ما را با پیامبر (ص) می دانی و تو بهتر از دیگران ما را می شناسی و شخص جوانمرد و غیرتمندی هستی از جان خود بر ما مضایقه مکن، رسول خدا (ص) در قیامت پاداش آن را به تو خواهد داد.

در این بخش می خواهیم شبکه رفاقتی حبيب را بررسی کنیم. بینیم حبيب با هریک از محورهای این شبکه چگونه برخورد می کرد، و با بررسی و توصیف این محورها به توصیه هایی برای رفاقت های امروزی برسیم. محورهای این شبکه رفاقتی عبارت اند از: حبيب مسلم، حبيب میثم، حبيب قبيله، حبيب اصحاب، حبيب حسين، و حبيب دیگران. امام حسين (ع) آنگاه که در روز عاشورا به راست و چپ نگرست و هیچ یک از یاران خود را ندید صدا زد: «يا حبيب بن مظاهر! يا زهير بن القين! و يا مسلم بن عوسجه و يا ابطال الصفا! يا فرسان الهیجاء! مالی انادیکم فلا تسمعون و ادعوکم فلا تجیبون ... فقوموا عن نومتکم ایها الکرام وادفعوا عن آل رسول الصغاه اللثام».

ای حبيب بن مظاهر و ای زهير بن قین و ای مسلم بن عوسجه! ای دلاورمردان پایدار! ای سواران عرصه پیکار! چرا شما را صدا می کنم ولی کلام مرا نمی شنوید؟! و شما را فرامی خوانم ولی مرا اجابت نمی کنید! شما خفته و من امید دارم که سر از خواب شیرین بردارید که اینان پرده نشینان آل رسول اند که بعد از شما یآوری ندارند، از خواب برخیزید ای کریمان و در برابر این عصیان و طغیان از آل رسول دفاع کنید.

در بعضی از روایت‌ها آمده است که بدن‌ها به حرکت درآمدند تا به ندای امام مظلوم خود لبیک گویند.^{۱۵}

۶-۱-۱۳. علم و معرفت‌آموزی تا آخرین لحظات عمر

لحظات آخر هم حسین (ع) به بالای سرش آمد، در آن لحظه هم سؤالی کرد که درجه‌اش را در بهشت افزایش دهد، سؤال از معرفت و شناخت امام کرد! از حبیب بن مظاهر اسدی - بیض الله - وجهه روایت شده که او محضر حضرت حسین بن علی بن ابی‌طالب (ع) عرضه داشت پیش از آنکه خداوند عزوجل آدم (ع) را بیافریند، شما چه بودید و کجا بودید؟

حضرت فرمودند: ما شب‌های نوری بودیم که اطراف عرش خالق رحمان دور می‌زدیم و به فرشتگان تسبیح (سبحان الله) گفتن و تهلیل (لا اله الا الله گفتن) و تحمید (الحمد لله گفتن) را تعلیم می‌دادیم.^{۱۶}

۶-۱-۱۴. سبقت در خیرات

وقتی صحبت از رقابت و سبقت به میان می‌آید، معانی منفی به ذهن متبادر می‌شود. رقابت یعنی کسی را از سر راه برداشتن تا او به چیزی نرسد و ما برسیم.

در قاموس عاشورا رقابت این معنا را ندارد بلکه معنای مثبت و قرآنی دارد. رقابت عاشورایی، رقابت قرآنی است. در قرآن رقابت را حتی در بهشت هم می‌داند. پس معلوم می‌شود معنای منفی ندارد و گرنه در بهشت جایی نداشت.

«خِتَامُهُ مِسْكٌ وَ فِي ذَلِكَ فَلَيْتَتَنَافَسِ الْمُتَنَافِسُونَ» (مطففین: ۲۶)؛ شایسته است که مردم نسبت به چنین زندگی (بهشتی) مسابقه بگذارند.

حبیب همان‌طور که از شیوه رفاقت را آموختیم باید شیوه رقابت و سبقت را هم بیاموزیم. ببینیم رقابت چه معنایی دارد.

حبیب رقابت می‌خواهد رخوت را از ما بگیرد و به ما انگیزه و امید بدهد. برای درمان رخوت‌ها و سستی‌ها، بهترین دارو، حبیب رقابت است.

شبکه مفهومی سبقت در حبیب سبقت به شرح زیر است:

۱. سبقت و رقابت در درجات؛

۲. سبقت و رقابت در شهادت؛

۳. سبقت و رقابت در شبانه؛

۴. سبقت و رقابت در زیارت؛

۵. سبقت و رقابت در قرآن؛

۶. سبقت و رقابت در رسیدن به امام.

۶-۱-۱۴. رساندن خود به کربلا

آمدن حبیب به کربلا با وجود آن شرایط سخت آن زمان قابل توجه است (محمدی ری شهری، ۱۳۸۸، ج ۶: ۲۳۵).

۶-۱-۱۵. حرکت به سمت قبیله به قصد دعوت

حبیب پس از حضور در کربلا نیز برای جذب نیرو برای سپاه امام(ع) از طایفه بنی اسد و برخورد با دشمنان، تلاش های فراوانی داشت (المجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۴۴: ۳۸۷).

۶-۱-۱۶. محور بودن در شب عاشورا

حضور او در کربلا نیز منشأ حرکت های فراوانی است که از آن جمله به صحبت های او در جمع اصحاب و به خصوص بیعت مجدد شب عاشورای اصحاب اشاره کرد.

۶-۱-۱۷. فرمانده جناح چپ سپاه امام حسین(ع) در عاشورا

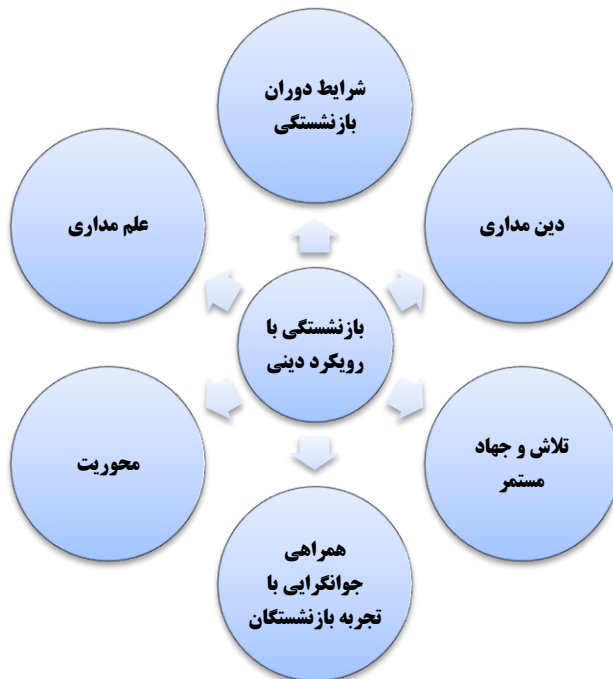
حبیب، در روز عاشورا، فرماندهی جناح چپ سپاه امام(ع) را به عهده داشت (الزركلی، ۱۹۸۰، ج ۲: ۱۶۶؛ شمس الدین، ۱۴۰۱: ۸۱-۸۲).

در ادامه، جدول و نمودار نهایی مضامین استخراج شده ارائه می گردد:

جدول ۱: مضامین بازنشستگی با رویکرد دینی

ردیف	منبع	مضمون پایه	مضمون سازمان‌دهنده	مضمون فراگیر
۱	بقره: ۲۶۸	ضعف و ناتوانی در دوره پیری	اجتناب‌ناپذیر بودن ضعف در پیری	شماره ارتباط دوران بازنشستگی
۲	روم: ۵۴	خداوند، منشأ ضعف و قوت	لزوم توحیدگرایی	دین‌مداری
۳	یس: ۶۸	شکستگی و ضعف در دوره پیری	اجتناب‌ناپذیر بودن ضعف در پیری	شماره ارتباط دوران بازنشستگی
۴	شرح: ۷ و ۸	لزوم تلاش مستمر در تمام عمر	تلاش و پویایی مستمر	تلاش و جهاد مستمر
۵	(امام خامنه‌ای مد ظله العالی، ۱۳۹۵)	جوان، پیشران حرکت سازمان	توجه به نشاط جوانان	همراهی جوان‌گرایی با تجربه بازنشستگان
۶	(امام خامنه‌ای مد ظله العالی، ۱۳۹۷)	معنای جوان‌گرایی، پیرزدایی نیست	عدم حذف پیران با جوان‌گرایی	همراهی جوان‌گرایی با تجربه بازنشستگان
۷	(امام خامنه‌ای مد ظله العالی، ۱۳۹۴)	عنایت به خطر انقطاع نسلی	خطر انقطاع نسلی	همراهی جوان‌گرایی با تجربه بازنشستگان
۸	(امام خامنه‌ای مد ظله العالی، ۱۳۹۹)	توجه به شاخصه نشاط، به جای سن	عدم محوریت سن‌گرایی	همراهی جوان‌گرایی با تجربه بازنشستگان
۹	(امام خامنه‌ای مد ظله العالی، ۱۴۰۱ و ۱۳۹۸)	لزوم جایگزینی نسل جدید به جای بازنشستگان	توجه به نشاط جوانان	همراهی جوان‌گرایی با تجربه بازنشستگان
۱۰	(امام خامنه‌ای مد ظله العالی، ۱۴۰۱ و ۱۳۹۰)	لزوم توجه به بازنشستگی نیروها	محوریت توجه به بازنشستگی نیروها	همراهی جوان‌گرایی با تجربه بازنشستگان
۱۱	(امام خامنه‌ای مد ظله العالی، ۱۳۹۵، ۱۳۹۱، ۱۳۸۲ و ۱۳۷۷)	لزوم داشتن تلاش مستمر در طول عمر	تلاش و پویایی مستمر	تلاش و جهاد مستمر
۱۲	(امام خامنه‌ای مد ظله العالی، ۱۳۷۷)	اخلاص منشأ اثر در دوران بازنشستگی	اخلاص	دین‌مداری
۱۳	(امام خامنه‌ای مد ظله العالی، ۱۳۷۷)	لزوم عدالت در بازنشستگی	عدالت	دین‌مداری
۱۴	الگوی حبیب بن مظاهر	تلاش در هشتادسالگی	تلاش و پویایی مستمر	تلاش و جهاد مستمر
۱۵	الگوی حبیب بن مظاهر	بیعت گرفتن برای نماینده امام، مسلم بن عقیل	تلاش و پویایی مستمر	تلاش و جهاد مستمر
۱۶	الگوی حبیب بن مظاهر	همراه کردن مسلم بن عوسجه با خودش برای رفتن به کربلا	تلاش برای حق‌گرایی	تلاش و جهاد مستمر

ردیف	منبع	مضمون پایه	مضمون سازمان‌دهنده	مضمون فراگیر
۱۷	الگوی حبیب بن مظاهر	آوردن سپاه برای حضرت در شب هفتم محرم	تلاش برای حق‌گرایی	تلاش و جهاد مستمر
۱۸	الگوی حبیب بن مظاهر	خرج آبرو	تلاش برای حق‌گرایی	تلاش و جهاد مستمر
۱۹	الگوی حبیب بن مظاهر	دعوت به حق	تلاش برای حق‌گرایی	تلاش و جهاد مستمر
۲۰	الگوی حبیب بن مظاهر	هجرت از راحتی	تلاش برای حق‌گرایی	تلاش و جهاد مستمر
۲۱	الگوی حبیب بن مظاهر	حبیب نقطه اتکا	تکیه‌گاه بودن	محوریت
۲۲	الگوی حبیب بن مظاهر	استاد گفتمان‌سازی	تلاش برای حق‌گرایی	تلاش و جهاد مستمر
۲۳	الگوی حبیب بن مظاهر	حبیب قرآنی	مأنوس با قرآن کریم	دین‌مداری
۲۴	الگوی حبیب بن مظاهر	حبیب دین‌شناس (فقیه)	دین‌شناسی	دین‌مداری
۲۵	الگوی حبیب بن مظاهر	علم و معرفت‌آموزی تا آخرین لحظات عمر	علم‌آموزی	علم‌مداری
۲۶	الگوی حبیب بن مظاهر	سبقت در خیرات	تلاش در امور خیر	تلاش و جهاد مستمر
۲۷	الگوی حبیب بن مظاهر	رساندن خود به کربلا	تلاش برای حق‌گرایی	تلاش و جهاد مستمر
۲۸	الگوی حبیب بن مظاهر	حرکت به سمت قبیله به قصد دعوت	تلاش برای حق‌گرایی	تلاش و جهاد مستمر
۲۹	الگوی حبیب بن مظاهر	محور بودن در شب عاشورا	شأنیت مرجعیت	محوریت
۳۰	الگوی حبیب بن مظاهر	فرمانده جناح چپ سپاه امام حسین در عاشورا	شأنیت مرجعیت	محوریت



شکل ۱: ابعاد و مؤلفه‌های بازنشستگی با رویکرد دینی

۷. نتیجه‌گیری و پیشنهادها

با طرح مسئله «دولت اسلامی» و ضرورت جوان‌گرایی، نوع و نسبت تعامل نسل جوان سازمان با نسل غیرجوان چالش مهمی است. این مقاله پس از تبیین مفهوم بازنشستگی در آینه آیات و مروری بر نظرات موافقان و مخالفان آن، سعی نمود از منظری کاربردی ناظر به خطر انقطاع نسلی در سازمان‌ها و نسبت جوانان و پیران در سازمان و به عبارت دیگر نسبت جوان‌گرایی و پیرزدایی با عنایت به نظرات رهبر معظم انقلاب به پژوهش پردازد که درنهایت به این نتایج دست یافت:

۱. یکی از اصلی‌ترین لوازم دستیابی به اهداف سازمان بدون تردید حضور نسل جوان مؤمن و انقلابی در صحنه است؛ این مطلبی است که برای هر مجموعه‌ای ضروری است و حتماً باید در نظر داشت و گردش نفرات و رود افراد جدید به یک سازمان فرصتی برای

پویایی و فعالیت نو به نوبت آن است. این حقیقتی است که در عالی‌ترین نوع آن در کشور باید اتفاق بیفتد تا کشور به اهدافش دست یابد.

۲. نکته‌ای که نباید غفلت داشت این است که جوان‌گرایی به معنای کنار گذاشتن و عدم استفاده از تجارب متقن و ماندگار نیست. به عبارت بهتر معنای جوان‌گرایی، پیرزدایی نیست. یک سازمان در طول زمان، تجربه‌های گران‌قیمتی می‌آموزد که بهره‌گیری از آن تجربه‌ها و مهارت‌ها ضرورتی عقلانی است.

۳. مطلب مهم دیگری که باید به آن عنایت داشت این است که افراد پیر می‌شوند، اما سازمان نباید پیر شود. اینجاست که باید مراقب خطر انقطاع نسلی بود. خصوصیت جوان‌گرایی که خصوصیت مثبتی است باید همراه با استفاده از مجربان، کارکشتگان و قدیمی‌ها باشد.

۴. شاید برای رفع این دوگانه جوان و پیر بتوان به شاخص نشاط توجه شود که تصمیمات سازمانی با آن کارتر و اثرگذارتر خواهد شد. بعضی اوقات افرادی که در سنین جوانی هم نیستند، کارهای جوانانه خوبی را می‌توانند انجام بدهند.

۵. در این میان باید دقت داشت که بین بازنشستگی و ازکارافتادگی خلط نشود.

در پایان هم با مطالعه شخصیت‌های برجسته‌ای مانند جناب حبیب بن مظاهر و عملکردشان به این مهم دست یافت که این الگوها را می‌توان هم به عنوان مؤیدهای خوبی مد نظر داشت و هم ضمانت‌های اجرایی خوبی برای فعالیت دائم و خستگی‌ناپذیر فراروی خود دید.

پی‌نوشت‌ها

۱. «یهدی به الله من اتبع رضوانه سبیل السلام و یخرجهم من الظلمات إلى النور بإذنه و یهدیهم إلى صراط مستقیم» (مائده: ۱۶)؛ خداوند به برکت آن، کسانی را که از خشنودی او پیروی کنند، به راه‌های سلامت، هدایت می‌کند؛ و به فرمان خود، از تاریکی‌ها به سوی روشنایی می‌برد؛ و آن‌ها را به سوی راه راست رهبری می‌نماید.

۲. قال الامام الصادق علیه السلام، فی زیارة الشهداء رضوان الله تعالی علیهم: «السلام علی حبیب بن مظاهر» (الشهید الاول، ۱۴۱۰: ۱۵۱) وعن الامام المهدي عجل الله فرجه الشریف، فی زیارة الامام الحسین علیه السلام، والشهداء رضوان الله تعالی علیهم، ما خرج من الناحية المقدسة: «السلام علی حبیب بن مظاهر الأسدی» (ابن المشهدی، ۱۴۱۹: ۴۹۳، زیارة الشهداء رضوان الله علیهم فی یوم عاشوراء؛ ابن

طاووس، ۱۴۱۶، ۳، ۷۸ الفصل ۱۴ فیما نذکره من زیارة الشهداء فی یوم عاشوراء؛ المجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۴۵: ۷۱، کتاب تاریخ فاطمة والحسن والحسین علیهم السلام، باب ۳۷ سائر ما جرى علیه بعد بیعة الناس لیزید بن معاویة إلى شهادته صلوات الله علیه، فی زیارة الشهداء رضوان الله تعالی علیهم. و ج ۹۸: ۲۷۲؛ البحرانی، ۱۴۰۷، ۳۳۸، باب أسماء الشهداء، البروجردی، ۱۳۸۳، ج ۱۲: ۴۹۸، باب ۶۵ کیفیه زیارة الحسین علیه السلام و سائر الشهداء علیهم السلام).

۳. با کاروان حسینی، ج ۴: ۱۴۷.

۴. معالی السبطين، ج ۱: ۳۷.

۵. مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۴۴: ۳۸۷.

۶. بیانات در خطبة نماز جمعة تهران، ۱۳۸۸/۳/۲۹.

۷. زیرنویس عنصر شجاعت، ج ۲ «حاج میرزا خلیل کمره‌ای»، ص ۴۹.

۸. طبری، ج ۵: ۴۳۹-۴۴۰.

۹. قصه قصه گذشتن بود، ص ۲۵۱.

۱۰. الأُمین، ۱۴۰۳ق، ج ۲۰، باب الحبيب.

۱۱. شریفی و مؤیدی، ۱۳۸۳: ۴۰۶، ۴۰۷ و ۴۰۸.

۱۲. آیا گمان کردی که نماز خاندان عصمت و طهارت مقبول درگاه حق نیست و نماز توی احمق درازگوش قبول است (آقاتهرانی، ۱۳۷۸: ۱۶۷). [البته نقل دیگری هم هست که می‌گوید «یا خمار» بوده که نقطه آن افتاده و به معنای شراب‌فروش است.]

۱۳. طبسی و جمعی از نویسندگان، ۱۴۲۱ق، ج ۴: ۱۶۱.

۱۴. نظری منفرد، ۱۳۷۰: مجلس سیزدهم.

۱۵. نظری منفرد، ۱۳۷۹: ۳۵۹.

۱۶. ابن بابویه، ۱۳۸۰، ج ۱: ۹۷.

منابع

قرآن کریم.

نهج البلاغه.

آقاتهرانی، مرتضی. (۱۳۸۷). *یاران شیدای حسین بن علی(ع)*. قم: باقیات.

ابن بابویه، محمد بن علی. (۱۳۸۰). *علل الشرائع*. ترجمه محمدجواد ذهنی تهرانی. قم: انتشارات مؤمنین

ابن مشهدی، محمد بن جعفر. (۱۴۱۹ق). *المزار الکبیر (لابن المشهدی)*. محقق و مصحح: جواد قیومی

اصفهان. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

امام خامنه‌ای مد ظله العالی، سید علی. بیانات در دیدار فرماندهان سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، ۱۳۹۴/۶/۲۵.

- امام خامنه‌ای مد ظله العالی، سید علی. بیانات در دیدار با معلمان، ۱۴۰۱/۲/۲۱.
- امام خامنه‌ای مد ظله العالی، سید علی. بیانات در دیدار با معلمان و فرهنگیان، ۱۳۹۸/۲/۱۱.
- امام خامنه‌ای مد ظله العالی، سید علی. بیانات در سومین نشست اندیشه‌های راهبردی، ۱۳۹۰/۱۰/۱۴.
- امام خامنه‌ای مد ظله العالی، سید علی. گزیده‌ای از بیانات در دیدار جمعی از پاسداران سپاه حفاظت ولی‌امر و خانواده‌های آنان، ۱۳۹۵/۲/۲۰.
- امام خامنه‌ای مد ظله العالی، سید علی. گزیده‌ای از بیانات در دیدار نیروهای مسلح منطقه شمال کشور و خانواده‌های آنان، ۱۳۹۱/۶/۲۸.
- امام خامنه‌ای مد ظله العالی، سید علی. بیانات در دیدار اعضای ستاد بزرگداشت چهاردهمین سالگرد رحلت حضرت امام خمینی(ره)، ۱۳۸۲/۳/۳.
- امام خامنه‌ای مد ظله العالی، سید علی. بیانات در جلسه پرسش و پاسخ با جوانان در دومین روز از دهه فجر (روز انقلاب اسلامی و جوانان)، ۱۳۷۷/۱۱/۱۳.
- امام خامنه‌ای مد ظله العالی، سید علی. بیانات در دیدار تشکّل‌های مختلف دانشجویی دانشگاه‌های تهران، ۱۳۷۷/۱۰/۲۴.
- امام خامنه‌ای مد ظله العالی، سید علی. بیانات در دیدار مسئولان دستگاه قضایی، ۱۳۷۷/۴/۷.
- امام خامنه‌ای مد ظله العالی، سید علی. بیانات در دیدار بسیجیان، ۱۳۹۵/۹/۳.
- امام خامنه‌ای مد ظله العالی، سید علی. دیدار با اعضای مجلس خبرگان رهبری، ۱۳۹۷/۱۲/۲۳.
- امام خامنه‌ای مد ظله العالی، سید علی. سخنرانی تلویزیونی در پایان محفل انس با قرآن کریم، ۱۳۹۹/۰۲/۰۶.
- امام خامنه‌ای مد ظله العالی، سید علی. ارتباط تصویری با نمایندگان تشکّل‌های دانشجویی، ۱۳۹۹/۲/۲۸.
- امام خامنه‌ای مد ظله العالی، سید علی. بیانیه «گام دوم انقلاب» خطاب به ملت ایران، ۱۳۹۷/۱۱/۲۲.
- امامی، محمد. (۱۳۹۵). حقوق/داری. کورش استوار سنگری. تهران: میزان.
- الأمین، السید محسن. (۱۴۰۳ق/۱۹۸۳م). أعيان الشیعه. بیروت: دارالتعارف للمطبوعات.
- بروجردی، آقا حسین. جامع احادیث الشیعة (لبروجردی). (۱۳۸۶). تهران: انتشارات فرهنگ سبز
- دانایی‌فرد، حسن، الوانی، سید مهدی و آذر، عادل. (۱۳۸۶). روش‌شناسی پژوهش کمی در مدیریت: رویکردی جامع. تهران: انتشارات صفار.
- الزرکلی، خیرالدین. (۱۹۸۰م). الأعلام، الطبعة الخامسة. بیروت: دارالعلم للملایین.
- السماوی، محمد. (۱۹۴۱ق). أبصار العین. الطبعة الأولى. قم: مرکز الدراسات الاسلامیه.
- الشبستری، عبدالحسین. (۱۴۲۱ق). مشاهیر شعراء الشیعه. الطبعة الأولى. قم: بی‌نا.
- شریفی، محمود و مؤیدی، علی. (۱۳۸۳). فرهنگ جامع سخنان امام حسین(ع) ترجمه همراه متن عربی موسوعة کلمات الامام الحسین. گروه حدیث پژوهشکده باقرالعلوم. (مترجم: علی مؤیدی). قم: نشر معروف.

- شمس الدین، محمد مهدی. (۱۴۰۱ق). *أنصار الحسین (ع)*. الطبعة الثانية. بیروت: نشر الدار الاسلامیه.
- شهید اول، محمد بن مکی. (۴۱۰ق). *المزار (للسهید الاول)*. محقق و مصحح: محمد باقر موحد ابطحی اصفهانی. قم: مدرسه امام مهدی (ع).
- باطبایی، سید محمد حسین. (۱۳۷۴). *ترجمه تفسیر المیزان*. ترجمه سید محمد باقر موسوی همدانی. قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- طباطبائی مؤتمنی، منوچهر. (۱۳۹۰). *حقوق اداری*. تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت).
- الطبری، محمد بن جریر. (۱۴۰۹ق). *تاریخ الطبری*. بیروت: مؤسسه الأعلمی للمطبوعات.
- طبسی، محمد جواد و جمعی از نویسندگان. (۱۴۲۱ق). *مع الרכب الحسینی من المادینه الی المادینه*. قم: حرس الثورة الاسلامیه، ممثلیه الولی الفقیه، مرکز الدراسات الاسلامیه، دراسات عاشورا.
- عابدی جعفری، حسن، تسلیمی، محمد سعید، فقیهی، ابوالحسن و شیخزاده، محمد. (۱۳۹۰). تحلیل مضمون و شبکه مضامین: روشی ساده و کارآمد برای تبیین الگوهای موجود در داده‌های کیفی. *دوفصلنامه/ندیشه مدیریت راهبردی*، ۲۵(۲)، ۱۵۱-۱۹۸.
- عاملی، شیخ حر محمد بن حسن. (۱۴۰۹ق). *وسائل الشیعه*. قم: مؤسسه آل البيت (ع).
- قرائتی، محسن. (۱۳۸۳). *تفسیر نور*. تهران: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن.
- قرائتی، محسن. (۱۳۸۹/۱۲/۲۶). استفاده از فرصت عید، پایگاه اطلاع‌رسانی «درس‌هایی از قرآن»، شبکه اول سیما.
- قلی‌پور، آرین. (۱۳۹۰). *مدیریت منابع انسانی (مفاهیم، تئوری‌ها و کاربردها)*. تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت).
- القمی، الشیخ عباس. (۱۴۲۷ق). *منتهی الآمال*. الطبعة الثالثة. قم: دار محبین.
- قوامی، سید صمصام‌الدین. (۱۳۸۳). *مدیریت از منظر کتاب و سنت*. قم: دبیرخانه مجلس خبرگان، مرکز تحقیقات علمی.
- المجلسی، الشیخ محمد باقر. (۱۴۰۳ق). *بحار الأنوار*. الطبعة الثانية. بیروت: نشر مؤسسة الوفاء.
- محمدی ری‌شهری، محمد. (۱۳۸۸). *دانشنامه امام حسین بر پایه قرآن، حدیث و تاریخ*. با همکاری محمود طباطبایی نژاد، روح‌الله سید طباطبایی. ترجمه عبدالهادی مسعودی و مهدی مهریزی. قم: دارالحدیث.
- مکارم شیرازی، ناصر. (۱۳۷۴). *تفسیر نمونه*. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- منصور، جهانگیر. (۱۳۹۸). *قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران: قانون اساسی مصوب ۱۳۵۸: اصلاحات و تغییرات و متمم قانون اساسی مصوب ۱۳۶۸*. تهران: دوران.
- نظری منفرد، علی. (۱۳۷۹). *قصه کربلا به ضمیمه قصه انتقام*. قم: سرور.
- نظری منفرد، علی. (۱۳۷۰). *نامه‌ها و ملاقات‌های امام حسین (ع)*. قم: بنیاد معارف اسلامی.
- Howitt, D., & Cramer, D. (2007). *Introduction to Research Methods in Psychology*. Prentice Hall.

A study of religious approach to retired citizens

Saeed Hejazifar,^{1*} Seyyed Ali Asghar Alavi²

Received: 18/03/2024

Accepted: 13/06/2024

Abstract

With the issue of the "Islamic state" and the necessity of youth orientation, the way of interacting with elderly citizens and the proportion of using them in organizations is one of the current management challenges. Does the concept of youth orientation mean anti-aging? How should the risk of generational gap in the organization be managed? What should be the ratio of young people and old people in the organization? This is where the concept of retirement can be examined from this perspective. The present study seeks to examine the concept of retirement in the Quran by using the method of content analysis and by reviewing the thoughts of the Supreme Leader of the Revolution, and to achieve a better understanding and explanation of it by studying the Quranic life model of Mr. Habib bin Mazahir. One of the most important achievements of this research is the understanding of the relationship between youth and old people in the organization and the position of each. In the religious approach, despite the fact that it is a time of weakness and disability, this does not mean sitting idle, and retired citizens can do important things alongside young people and be the center of many activities.

Keywords: Retirement, Human Resources Management, Holy Quran, Habib bin Mazahir, Imam Khamenei.

1. Assistant Professor, Faculty of Economics and Management, Urmia University. Email: saeedhejazifar@gmail.com

2. PhD in Quran and Sciences, Management Department, Al-Mustafa Al-Alamiyah University, Qom. Email: modirekarbala313@chmail.ir